



سند راهبردی و محتوایی

بدقه راهبر شهید حضرت آیت الله سید علی خامنه ای اعلی الله مقامه الشریف

ویژه حلقه‌های میانی و فعالان جبهه مردمی

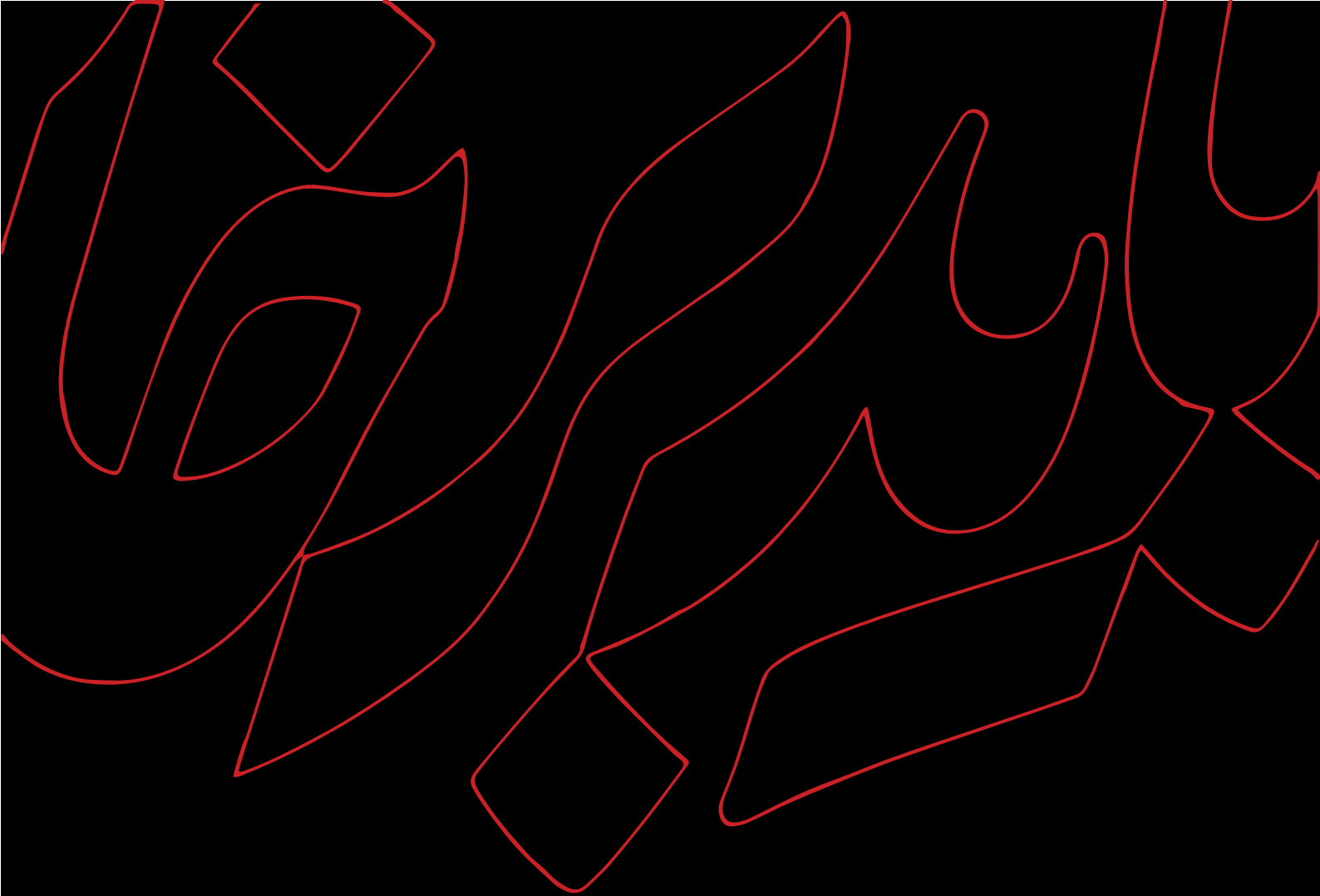
با بهره‌مندی از نظرات اصحاب اندیشه جبهه فرهنگی مردمی انقلاب اسلامی

ویرایش دوم؛ تیرماه ۱۴۰۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بادرود و سلام به روح مطهر و ملکوتی رهبر عالیقدر،
اسطوره مقاومت و مبارزه، عالم جلیل القدر، حکیم وارثه

امام شهید حضرت آیت الله سید علی خامنه ای اعلی الله
مقامه الشریف



فهرست



- رسالت تاریخی و سبک مبارزه ما ۵
- راهبرد محوری ۸
- پیامدهای اصلی ۹
- اهم ملاحظات و سیاست‌ها ۱۲

جنس عزای ما از جنس عزای سیدالشهدا (علیه السلام) است...

«ما گرچه در عزا هستیم،

اما عزای ما به معنی ماتم گرفتن و افسرده شدن و یک گوشه نشستن نیست؛

جنس عزای ما از جنس عزای سیدالشهدا (علیه السلام) است؛

زنده و زنده کننده است.

عزاداریم اما این عزا ما را به حرکت و پیشرفت و شوق بیشتر به کار وادار میکند.

من میخوام این پیام را در دل و جان خودمان، به معنای واقعی کلمه نفوذ بدهیم،

احساس کنیم **عزاداری ما هم باید ما را به پیش ببرد.**»

رهبر شهید انقلاب به مناسبت عروج شهید سیدحسن نصرالله رضوان الله علیه

در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی، ۱۱ / ۷ / ۱۴۰۳



رسالت تاریخی و سبک مبارزه ما

ملت ایران و مجاهدان جبهه مقاومت در ماه‌های اخیر و پس از شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی اعلی الله مقامه الشریف، تجربه دفاع مقدس نظامی، امنیتی، اجتماعی، رسانه‌ای، فرهنگی و اقتصادی را از سر گذرانده‌اند؛ دفاع مقدسی که موجب فتوحات بی نظیر، تجلی غرور و عزت ایران و صیانت از میراث خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید گشت و مردم ایران را به مقام بعثت رساند که جلوه‌ای از آن در میادین و خیابان‌ها تبلور یافت. در این بین روند مذاکره با دشمن از سوی مسئولان ذریبط دنبال شد و در حال حاضر، ادراک ملت مبعوث از فرآیند مذاکرات و امضای تفاهم‌نامه توسط رئیس‌جمهور، با پیروزی قاطع، تنبیه متجاوز و یا اتمام واقعی جنگ مبتنی بر اصول رهبران انقلاب فاصله زیادی دارد. حال در این موقعیت زمانی و با عنایت به آرمان‌های انقلابی ملت مبعوث و آینده ایران و جبهه مقاومت؛ چگونگی بدرقه رهبر شهید انقلاب و خلق تصویر و روایت آن در سطح داخلی و خارجی از اهمیت بسیار ویژه و تأثیرگذاری بالایی در تداوم روند مبارزات مردم ایران علیه استکبار جهانی و جریان نفاق و نفوذ برخوردار است. این حرکت تاریخی دارای دو جنبه است؛

• شخصیت منحصری‌فرد رهبر شهید انقلاب در تاریخ ایران و اسلام، و بزرگداشت و تعظیم بی نظیر ایشان توسط آزادگان جهان؛

• خط نبردی که امت در حال حاضر درگیر آن است؛ که تشییع ایشان را از تشییع معمول یک عالم برجسته در هر زمان و مکان دیگری متمایز می‌کند.

کشور در حال حاضر درگیر مسئله توافق، قاب‌بندی پایان جنگ و تصویرسازی از آینده ایران پس از جنگ است. این مسائل با توجه به نحوه تشییع رهبر شهید می‌تواند نقطه سرد شدن و خمودگی جامعه باشد و تشدید یأس از نظارت بر عملکرد حاکمیت در موضوع جنگ؛ یا نقطه داغی که در آن ملت مبعوث سوخته جان می‌تواند امتداد جنگ را در میدان تاحصول یک نتیجه عزتمندانه و شرافتمندانه دنبال کند و منتقم رهبر شهید خود باشد. باید توجه داشت که تشییع به این معنا نه یک نقطه پایان، بلکه نقطه آغاز شکل‌گیری ایران پسا جنگ است؛ مسیری که در معرض تهدیدهای جدی و چه بسا انحراف ناشی از چالش‌های سیاسی قرار گرفته و مجال اصلاح آن بسیار کوتاه است. این نقطه می‌تواند با شور انقلابی و مسئولیت‌پذیری مردم، آغاز حرکتی عزتمندانه به سوی ساخت ایران قوی‌تر باشد یا با فرورفتن در خمودگی و خشم انفعالی نسبت به دولت، به سوی ترک میدان و فرورفتن در روزمرگی حرکت کند.



بنابر مقدمه فوق، آنچه تشییع نیاز دارد، از جنس سوگ محض یا حماسه تحمیلی و رجزخوانی و امیدآفرینی شعاری نیست؛ بلکه حرارت لازم برای خونخواهی و آمادگی برای هزینه دادن در مسیر آن است. باید توجه داشت که خشم در کنار سوگ، یک هیجان مخرب و منفعل شکل نمی‌دهد؛ بلکه فضایی را می‌سازد که به فرد اجازه می‌دهد نسبت به حفظ حریم و حرمت خود و کشورش غیور بماند و در مقابل تهدید علیه عزت یا تمامیت کشور ایستادگی کند. از این رو حفظ این خشم در نسبت با دشمن به عنوان قاتل رهبر و در جهت انتقام استراتژیک و پرهزینه خون ایشان، اهمیت دارد؛ تا در فضای داخلی نیز در نسبت با هر نوع اقدام انحرافی، مقاومت دلسوزانه مردم ادامه داشته باشد.

کارکرد غم و سوگ در تاریخ جوامع، حفظ ارزش‌ها و تثبیت هنجارهاست؛ و این کارکرد نیاز به درجاتی از قدرت معنوی دارد. سوگ می‌تواند ناشی از ناکامی و اندوه سرد باشد، که شخص و جامعه را در لحظه منفعل می‌کند؛ و یا آنکه سوگ داغ ناشی از تعریف یک مقصر و ارزشمند بودن قربانی باشد؛ که جامعه را در جهت پاسداشت قربانی و جبران ظلم مقصر، فعال می‌سازد. بنابراین سوگ همواره تضعیف‌کننده نیست؛ و چه بسا سوگواری‌هایی که مانند عزای سیدالشهدا (ع) یک قدرت را در طول سده‌ها حفظ می‌کند و نیروی حب و بغض، و تمایل به مقابله با دشمن را تثبیت می‌کند. همچنانیکه رهبر شهید انقلاب به مناسبت عروج شهید سیدحسن نصرالله فرمودند: «ما گرچه در عزا هستیم، اما عزای ما به معنی ماتم گرفتن و افسرده شدن و یک گوشه نشستن نیست؛ جنس عزای ما از جنس عزای سیدالشهدا (علیه السلام) است؛ زنده و زنده‌کننده است. عزاداریم اما این عزا ما را به حرکت و پیشرفت و شوق بیشتر به کار و ادار می‌کند. من می‌خواهم این پیام را در دل و جان خودمان، به معنای واقعی کلمه نفوذ بدهیم، احساس کنیم عزاداری ما هم باید ما را به پیش ببرد.»

دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی، ۱۱ / ۷ / ۱۴۰۳

درمورد شهادت رهبر انقلاب نیز از آنجا که دشمن به صراحت نقش دارد و مقابله با دشمن، عین عمل به اوامر ایشان است، پررنگ کردن این سوگ قطعاً مشتمل‌های ایرانیان را گره می‌کند و نیروی انتقام را تقویت می‌سازد.

بنابراین «سوگ داغ» در تشییع رهبر شهید دو سویه هیجانی دارد:

۱. سوگ در نسبت با فقدان ایشان به عنوان رهبر جامعه؛ که در فاصله دورتر از تشییع (دو هفته تا یک هفته مانده به روز تشییع) مورد نظر قرار می‌گیرد. سوگ چگونه با عمق و شمولیت بالا شکل می‌گیرد؟ با مرور فقدان، ارزشمند بودن آنچه از دست رفته، مدیون کردن مخاطب نسبت به لطف ایشان، و تشدید محبت عام در بازنمایی تصاویر



و خاطرات. تمرکز درست در این محور، موجب افزایش محبت و علاقه میان امت و امام می‌گردد و می‌توان ثمره آن را در تعمیق رابطه و بیعت ملت ایران با رهبر رشید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای مدظله العالی برداشت نمود.

۲. داغ؛ و به عبارت دیگر، خشم. خشم از دشمن، از اقدام جسورانه و توهین آمیز او به ملت ایران در قتل رهبر کشور؛ و در نتیجه میل به خونخواهی که ناظر به حفظ منافع ملی و مطالبه پرشور مواجهه عزتمندانه با دشمن است. داغ و خشم، ضامن جلوگیری از انفعال و خمودگی در افکار عمومی است و منجر به «قیام» برای خونخواهی.

این دو سویه، باید هر دو در کنار هم روایت شوند تا مردم را در جایگاه وصی و ولی دم رهبر شهید بنشانند و آنان را در موقف مطالبه در نسبت با حاکمیت حفظ کنند. در صورت سرد شدن این سوگ یا برگزاری غیرسیاسی آن، صحنه به سرعت به سوی معنازدایی از جنگ و مقاومت حرکت می‌کند و عملاً معنای حرکت چندساله انقلاب اسلامی درون تهی می‌شود.



راهبرد محوری

«شکل‌گیری نهضت خونخواهی رهبر شهید انقلاب با شعار «یاالثارات الحسین(ع)» و نماد مشت گره‌کرده»

خونخواهی حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام در معیت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه راهبرد امتداد ظهر عاشورا تا صبح ظهور است. اینک شهادت امام شهید ما، سرداران و ملت شریف ایران، در قله اصحاب آخرالزمانی سیدالشهدا علیه‌السلام این خونخواهی را برای ما ملموس‌تر کرد. فلذا می‌بایست در امتداد بعثت بیش از ۱۰۰ روزه ملت، از عاشورای حسینی علیه‌السلام پرچم سرخ خونخواهی را با شعار «یاالثارات الحسین علیه‌السلام» و نماد مشت گره‌کرده رهبر شهیدمان به اهتزاز درآوریم، بر روی پیکر مطهر ایشان نقش ببندیم، در سراسر حرکت میلیونی بدرقه با خود همراه کنیم، در رزمایش امتی اربعین گسترش دهیم و تا قصاص قاتلین و ازاله نظام کفر و استکبار از منطقه که در مسیر تحقق خون‌بهای ایشان و رساندن پرچم انتقام بدست منتقم حقیقی است، در این راه پرافتخار استقامت کنیم. با توجه به تلاقی مراسم تشییع با ماه محرم، و زنده بودن ادبیات و روحیه حسینی، یادآوری خونخواهی سیدالشهدا علیه‌السلام و ترسیم خونخواهی رهبر حسینی انقلاب اسلامی در امتداد آن، داغ سوگ را زنده و فعال نگه می‌دارد. در این معنا، ضروری است از بکارگیری سایر عبارات پرهیز گردد و اصل این عبارت همچنان منحصر در سیدالشهدا علیه‌السلام و قیام مهدوی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه باقی بماند؛ اما امتداد و همانندسازی آن در شهادت بزرگ‌ترین احیاگر شیعه در عصر حاضر، متناسب و مؤثر است. انشالله

پیامدهای اصلی

۱ تجلی ولایت طولی و عرضی

حضور میلیونی مردم در مراسم تشییع، صرفاً وداع با یک رهبر بزرگ و جان فدای ملت نیست، بلکه بازنمایی تمنا و اعتقاد عمیق مردم نسبت به امتداد اصل ولایت فقیه و تبلور استحکام نظام امام و امت است. باید تأکید شود که آنچه ایران را حفظ کرده، صرفاً فرد نیست، بلکه جایگاه ولایت فقیه و ساختار هدایت‌گر آن است. بنابراین تشییع باید صحنه تجدید بیعت با اصل ولایت و نمایش تداوم این سازه نجات‌بخش باشد. از این رو، مراسم تشییع باید علاوه بر سوگ داغ نسبت به فقدان رهبر شهید، حامل این پیام روشن نیز باشد که ولایت، یک حقیقت جاری و زنده است، نه وابسته به فرد به معنای شخصی آن. رابطه امام و امت، ستون ثبات و بقای جمهوری اسلامی است و فقدان رهبر، به معنای گسست در مسیر ولایت نیست، بلکه می‌تواند صحنه‌ای برای تجدید بیعت با این اصل و بازنمایی قدرت و عمق نظام ولایی باشد. همچنین ماحصل این نظام ولایی، بهم‌پیوستگی، بهم‌جوشیدگی و هم‌جبهه‌گی میلیونی مردم حول ریسمان ولایت است.

۲ باید برخاست / قوموا لله

محوریت شعار اعلام شده از سمت ستاد تشییع، که در امتداد سوگ داغ و پرهیز از منفعل شدن جامعه در مقابله با دشمن و شکل‌گیری نهضت خونخواهی رهبر شهید است؛ بسیار مهم می‌باشد. چنانچه خداوند متعال در مورد مرگ یا شهادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «أَفَايُنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ؟»؛ تکلیف جامعه اسلامی پس از شهادت رهبر، ادامه مسیر، با قوت و استقامت است. این شعار و مضمون در فضای بین‌الملل و جهان اسلام با عبارت قرآنی «قوموا لله» قابل ترجمه و امتداد است.

این شعار به این معناست که تک‌تک آزادگان، مسلمانان، شیعیان و ایرانیان



می‌بایست بپا خاسته و در برابر جنایات بی‌سابقه رژیم مستکبر امریکا و رژیم جعلی و کودک‌کش صهیونی قیام کنند. حرکت عمومی امت در بدرقه قائد شهید، سوخت امتداد و فراگیری قیام ملت‌های منطقه علیه نظم آمریکایی و تشکیل کمر بند دفاع، عزت و استقلال ملت‌های منطقه خواهد بود. این بدرقه به لحاظ راهبردی یک فرصت بی‌نظیر و شاید غیرقابل تکرار برای ملت‌های منطقه و به ویژه ملت ایران به عنوان محور مقاومت است. همچنین به لحاظ تاکتیکی در دوران توقف نبرد نظامی و روند مذاکرات، به عنوان یک حرکت اجتماعی و رسانه‌ای فراگیر اهرم و سلاح قدرتمند، بازدارنده و پیشبرنده‌ای در جنگ ترکیبی علیه دشمنان اسلام و ایران است. باید برخاست به معنای آنست که ما عقب‌گرد نخواهیم کرد و به پیش از نهم اسفندماه برنخواهیم گشت.

۳ بیعت رضوان

حضور توده‌ها، تجلی «لولا حضور الحاضر و قیام الحجه» است. این حادثه، جایگاه بلند مردم «مبعوث» را در نظام حکمرانی به تصویر می‌کشد. این مردم، نه صرفاً تشییع‌کننده، که قوام‌بخش ساختار قدرت در دوره رهبری جدید و آغازگر حرکت عمومی برای تمدن‌سازی اسلامی هستند. بنابراین می‌توان گفت از منظر دیگری، تشییع پیکر امام امت، جلوه‌ای تمام‌عیار از «بیعت تحت الشجره» است. این «بیعت زیر تابوت»، پیمانی است که طبق آیه ۱۸ سوره فتح، ریشه در «فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ» دارد. خداوند با ارزیابی قلوب امت و مشاهده صدق آن‌ها در پایبندی به عهد، «سکینه» و آرامش الهی را نازل کرده و این رویداد را به پیش‌درآمد «فتح قریب» بدل می‌سازد.

۴ بزرگ‌ترین تشییع تاریخ

مطابق برآوردها، تشییع رهبر شهید انقلاب یک تشییع تاریخی خواهد بود که تمام نمونه‌ها و رکوردهای پیشین در تعداد بدرقه‌کنندگان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. استفاده از این معنا، پیش و پس از تشییع، اولاً عظمت و محبوبیت رهبر شهید انقلاب را تثبیت خواهد کرد؛ و ثانیاً انتظارات و تدارکات کنشگران و فعالان مردمی را در سطح یک رویداد تاریخی بالا خواهد برد تا با حداکثر برنامه‌ریزی و آمادگی وارد این میدان شوند.

۵ افشای جهانی جنایات دشمن

طبق قوانین و معاهدات بین‌المللی، حمله به فرماندهان جنگ، خارج از خط مقدم



و به همراه خانواده و افراد غیرنظامی، یک جنایت جنگی محسوب می‌شود و محکوم است. در جریان دو جنگ اخیر با ضدانسانی‌ترین ارتش‌های دنیا، به مرور حساسیت مردم و رسانه‌ها به جنایت‌ها کم‌رنگ شد و گویی به صورت ضمنی به عنوان بخشی از اقتضائات جنگ پذیرفته شده است. بازگشت به پله اول در روایت، بار دیگر عدم مشروعیت این اقدام را در قواعد بین‌المللی یادآوری می‌کند و بر مبنای آن می‌توان خونخواهی را برای سایر ملت‌های جهان نیز مستدل و موجه نمود.

۶ خشم مقدس، علیه دشمن و سازش:

یکی از انگیزه‌های دشمن آمریکایی و اسرائیلی در اقدام به ترور رهبر معظم انقلاب، اشتباه محاسباتی در این زمینه بود که در صورت فقدان رهبر، عموم مردم به مخالفت با نظام سیاسی برمی‌خیزند و کار جمهوری اسلامی در جبهه داخلی نیز تمام است. همچنین جریان کودتا به یأس و روی‌گردانی ملت از ایده مقاومت دلخوش بودند، و امیدوار به آنکه پس از رهبر انقلاب، رویکرد مقاومت در اداره کشور فراموش گردد. حضور چندده‌میلیونی در تشییع رهبر انقلاب و نمایش عمق تعلق و تعهد ملت ایران به رهبر مقاومت، پاسخی چشمگیر به دشمن متوهم است تا دست از خیالبافی بردارد؛ و همچنین نشانه برجسته‌ای است برای جریانی که قصد منحرف کردن اراده مقاومت ملت را دارند، تا تاب‌آوری و استقامت جامعه ایران، موجب اصلاح اشتباه محاسباتی آنان گردد.



اهم ملاحظات و سیاست‌ها

۱ جامع‌نگری و هوشمندی نسبت به تصویرپردازی رهبر شهید انقلاب

اولویت‌های محتوایی، محتواهای صرفاً لطیفی نیست که در تشییع رهبر شهید در صورت رحلت طبیعی ایشان نیز قابل استفاده می‌بودند، بلکه اولویت؛ محتوایی است که آخرین قاب از ایشان را با شئون مختلف شخصیت و نسبت ایشان با اقشار مختلف مردم بتواند خلق نماید. به بیان دیگر، محتوایی که در مراسم تشییع «مرحوم خامنه‌ای» قابل استفاده است، حتماً اولویت محتوایی رویداد تشییع «شهید خامنه‌ای» نیست. رهبر شهید انقلاب به عنوان محبوب‌ترین چهره سیاسی-معنوی در ایران، متکثرترین طیف شرکت‌کنندگان در تشییع خود را خواهند داشت. از این رو ضرورت دارد که در ابعاد محتوایی مراسم از تبلیغات محیطی گرفته تا مداحی در روز تشییع، ملاحظات زبانی مختلف مراعات شوند و تشییع به یک امر منحصر و مرتبط با یک قشر خاص تبدیل نشود. به عنوان مثال با ملاحظه حضور مسلمین اهل سنت از ایران و کشورهای دیگر، نباید در روضه‌خوانی به سوی واژگان حساس و تفرقه‌آمیز حرکت کرد. ضمن این که هر یک از این دسته از مخاطبان ممکن است با بخشی از شئون شخصیت رهبری ارتباط برقرار کنند اما لزوماً نه تمام آن. رهبر شهید انقلاب واجد شئون ذیل بودند؛

- شأن رهبری سیاسی و اجتماعی

- ◀ هدف: نمایش انسجام ملی و نظام سیاسی بالغ، حضور فراسیاسی و فرامذهبی.

- شأن فرماندهی کل قوا

- ◀ هدف: جهت‌دهی انرژی متراکم جامعه به سمت خونخواهی و مقاومت.

- شأن مرجعیت و رهبری دینی

- ◀ هدف: بازنمایی اقتدار معنوی، رعایت سنت‌ها و پیوندها با تاریخ شیعه.

- ولایت قلبی و پدر معنوی برای مردم

- ◀ هدف: زنده کردن پیوند شخصی، صمیمیت و اتکای قلبی مردم به رهبری، مخصوصاً مخاطبان با ظواهر متفاوت



• شأن شهادت

◀ هدف: تبیین مضمون «رهبر شهید، جان فدای ایران اسلامی» که باید یکی از ستون‌های اصلی عملیات رسانه‌ای باشد.

• شأن امتی

◀ هدف: برجسته‌سازی نقش امتی و فراملیتی ایشان به عنوان ولی امر مسلمین و پرچمدار استقلال طلبی، آزادیخواهی و عزتمندی کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان

۲ مردمی بودن تشیيع و پرهيز جدی از سازمانی کردن آن

عظیم‌ترین بدرقه و تشیيع تاریخ می‌بایست مردمی‌ترین آن نیز باشد و این مهم نیازمند بزرگ‌ترین سازماندهی تاریخ است؛ که خود از جلوه‌های توانمندی نرم نظام اسلامی در مدیریت مردم و فضاها است. از آنجا که تنها راه مدیریت جمعیت میلیونی، فعال‌سازی شبکه‌های مردمی غیرمتمرکز است؛ توجه به جنبه مردمی بودن خود برگزاری مراسم بدرقه، در کنار مردمی بودن شخصیت مورد بدرقه، یک اصل اساسی است که قدرت نرم جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد. چنانچه در افق فتح بزرگ و ظهور، فتح قدس و فتح قبله نیز نیازمند انعطاف و سازماندهی مردمی پیشرفته‌ای است که بتواند بستر تحرک چندده میلیونی باشد؛ و این رویداد، در کنار اربعین هر سال، از جدی‌ترین رزمایش‌های آمادگی برای آن حرکت نهایی محسوب می‌شوند. در این راستا می‌بایست ملاحظات را رعایت کرد. از جمله آنکه یکپارچگی بیش از حد تصویر، مثلاً در دست داشتن عکس و پلاکارد واحد به طور متمرکز در یک نقطه، تصویر سازمانی و ارگانی به آن می‌دهد. از این رو ضروری است عکس‌ها و پلاکاردها مملو از عبارات متنوع و مردمی باشد.

۴ هویت بخشی جغرافیایی مراسمات تشیيع

هریک از شهرهایی که پیکر مطهر امام شهید در آن جا تشیيع می‌گردد با توجه به ماهیت و اصالت خود می‌بایست هویتش باز معنا، تثبیت و تقویت گردد.

- تهران: تثبیت به عنوان «پایتخت مقاومت» و مرکز ثقل تصمیمات راهبردی.
- قم: بازخوانی به عنوان «خاستگاه نهضت» و معدن تولید ادبیات پشتیبان.
- نجف و کربلا: مرکز ثقل «خونخواهی» و پیوند با کشورهای جبهه مقاومت.
- مشهد: تجلی «پایتخت معنوی» و اتصال دهنده قلوب امت.





سید
ابیرضا